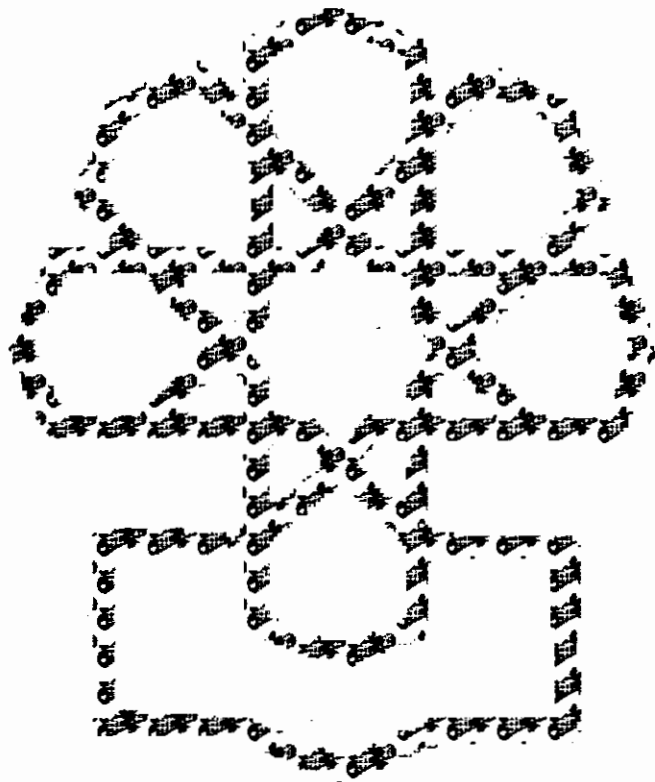


۱۶۷۰

۱۶۷۰



# تأملی کوتاه در ریشه‌های ناکامی نهضت شهید مدرس



معاونت پژوهشی

شهریور ۱۳۷۵

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای مروی، نماینده محترم مردم نیشابور در مجلس شورای اسلامی تهیه شده است.

کد گزارش: ۳۵/۱۶۷۰



۰۷۲۱

تأملی کوتاه در ریشه‌های ناکامی نهضت شهید مدرس

کد گزارش: ۳۵۰۱۶۷۰

فهرست مطالب

۱	مقدمه:.....
۱	فصل اول- مدرس در پنج دوره مجلس شورای ملی.....
۱	دوره دوم مجلس شورای ملی.....
۳	دوره سوم مجلس شورای ملی.....
۳	دوره چهارم مجلس شورای ملی.....
۳	دوره پنجم مجلس شورای ملی.....
۳	دوره ششم مجلس شورای ملی.....
۴	فصل دوم- توقیف، تبعید و شهادت مدرس.....
۴	شهادت مدرس.....
۴	فصل سوم- علل و عوامل تاریخی شهادت مدرس.....
۵	فصل چهارم- علل و عوامل ناکامی حرکت شهید مدرس.....
۶	استبداد و دیکتاتوری رضاخانی.....
۶	تقیه مراجع و علما.....
۶	فقدان شخصیتی همچون مدرس برای ادامه حرکت او.....

تاریخ سیاسی معاصر ایران و روحانیت شیعه، مشحون از چهره‌های بزرگی است که در تغییر و تحولات سیاسی، علمی و فرهنگی کشور نقش مهمی ایفا کرده‌اند. بدون شک شهید مدرس یکی از نوایغ ممتاز و رجال بزرگ و تاریخ‌ساز کشورمان به شمار می‌رود که نظیر او در تاریخ کم‌تر دیده شده است. نبوغ ذاتی، ساده‌زیستی، وارسنگی و آزادمنشی، شجاعت و شهامت، درایت، زهد و تقوا، علم و حلم و سیاست و دیانت او بر هیچ کس پوشیده نیست و دوست و دشمن بدان اذعان دارند. او در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران که می‌رفت تا ثمره خون مجاهدان و آزادیخواهان مشروطه مشروعه طلب پایمال چکمه‌های رضاخانی شود، وارد صحنه سیاسی شد.

متأسفانه پس از جریاناتی که به تبعید و شهادت مدرس انجامید، ادامه حرکت این روحانی والامقام و مبارز نیز رو به سکون و ناکامی گذارد. حرکتی که در صورت مساعد بودن شرایط و همراهی بیشتر مراجع و علما و وجود شخصیتی چون او برای ادامه حرکتش، می‌توانست ضمن استمرار و افزایش میزان مخالفت‌ها و مبارزات مردمی به رهبری روحانیت، زمینه لازم را برای سقوط رژیم مستبد و دیکتاتوری رضاخان فراهم کند.

## فصل اول - مدرس در پنج دوره مجلس شورای ملی

در میان مجتهدان و علمای مبارز در طول تاریخ مبارزات مردم کشورمان، شهید مدرس سردمدار شعاع معروف «سیاست، عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما» شناخته شده است. مجتهدی طراز اول که نه تنها مباحث نظری فقه شیعی را در سطح بالایی فراگرفت و تدریس کرد، بلکه این فرصت را نیز یافت که با حضوری مستمر در پنج دوره مجلس شورای ملی، تصویب قوانین اسلامی و اجرای آن را در جامعه آن روز ایران تجربه نماید.

### دوره دوم مجلس شورای ملی

دوره دوم مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۹ ش و به دنبال سقوط استبداد صغیر و برگزاری انتخابات افتتاح شد. بر اساس قوانین آن روز، انتخابات مجلس شورای ملی به صورت صنفی انجام می‌شد و عده‌ای نیز از سوی مجتهدان و روحانیان طراز اول آن زمان برای نظارت بر قوانین موضوعه و تطبیق آن با شرع مقدس اسلام انتخاب می‌شدند. در این دوره، مدرس یکی از پنج مجتهد طراز اولی بود که به منظور نظارت بر قوانین مجلس شورای ملی برگزیده شد و پس از شرکت در جلسه ۱۹۵ مجلس در ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۸ و انجام مراسم تحلیف، سوگندنامه را امضا کرد.

مدرس از این تاریخ به بعد در مجلس شورای ملی حضوری مستمر یافت و با دقت، اوضاع جاری کشور و جهان را تحت نظر گرفت و در بسیاری از مواقع نظراتش را پیرامون قوانین و مصوبات مجلس شورای ملی اظهار می‌کرد. اولتیماتوم روسیه به ایران در سال ۱۹۱۱ م و مخالفت مدرس با آن که سرانجام به رد اولتیماتوم از سوی مجلس شورای ملی منجر گردید، مهمترین رخداد دوره دوم مجلس شورای ملی محسوب می‌شود.

### دوره سوم مجلس شورای ملی

پس از اتمام دوره فترت میان مجلس دوم و سوم، سرانجام در تاریخ ۱۳ آذر ۱۲۹۳، دوره سوم مجلس شورای ملی با نطق «احمد شاه» افتتاح شد. در این دوره ۹۶ نماینده از سراسر کشور به مجلس راه یافتند و مدرس نیز یکی از نمایندگان حوزه انتخابیه تهران بود. مدرس در این دوره علاوه بر نمایندگی، یکی از مجتهدان طراز اول نیز به شمار می‌رفت و به همین دلیل از موقعیت خاصی برخوردار بود. مسئله مهاجرت و نقش مؤثر مدرس در خلال آن، یکی از حوادث مهم دوره سوم مجلس شورای ملی به شمار می‌رفت.

### دوره چهارم مجلس شورای ملی

فترت میان مجلس سوم و چهارم از ۲۱ آبان ۱۲۹۴ تا اول تیر ۱۳۰۰ ادامه یافت. در خلال این مدت، حکومت مرکزی تسلیم سیاست متفقین بود و مرتب کابینه‌ای جای خود را به کابینه‌ای دیگر می‌داد. در انتخابات دوره چهارم مجلس، مدرس به عنوان نماینده تهران در مجلس انتخاب گردید. مجلس چهارم در اول تیر ۱۳۰۰ با نطق «احمد شاه» افتتاح شد و مدرس با ۴۸ رأی از مجموع ۶۵ رأی نمایندگان حاضر در جلسه، به سمت نایب رئیس اول برگزیده شد. او در این دوره، رهبر اکثریت محسوب شد و به همین دلیل در جریان‌های سیاسی کشور و برای مخالفت با سردار سپه قدرت و نفوذ زیادی داشت. مدرس در این دوره در مقاطع مختلف به بحث و سخنرانی پرداخت، ولی نقش او در جریان مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، دیکتاتوری رضاخان و استیضاح کابینه «مستوفی الممالک» بسیار بارز و روشن بود.

### دوره پنجم مجلس شورای ملی

مجلس پنجم در ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ با نطق «محمد حسن میرزا» رسماً کار خود را آغاز کرد و مدرس در این دوره نیز نماینده تهران در مجلس شورای ملی بود. سردار سپه که قصد داشت در مجلس پنجم با انقراض سلسله قاجاریه موضوع جمهوری را مطرح کند، در جریان انتخابات مجلس نفوذ و دخالت کرد. در نتیجه، اکثر نمایندگان این دوره طرفداران رضاخان بودند. مدرس از آغاز دوره پنجم مجلس، مخالفت و مقابله با افکار، منویات و طرح‌های سردار سپه را دستور کار خود قرار داد و مخالفت وی با تصویب اعتبارنامه‌های نمایندگان طرفدار رضاخان و طرح جمهوری، استیضاح کابینه سردار سپه و مخالفت با طرح تغییر سلطنت در همین راستا صورت گرفت.

### دوره ششم مجلس شورای ملی

دستور برگزاری انتخابات دوره ششم مجلس شورای ملی، در اواخر سال ۱۳۰۴ و در دوره نخست‌وزیری «محمدعلی فروغی» صادر شد و با دخالت گسترده عوامل رضاخان - به منظور ورود نمایندگان طرفدار وی به مجلس - در ۵ تیر ۱۳۰۵ پایان یافت. با وجود فرمایشی بودن انتخابات مجلس - رضاخان برای آن‌که وانمود کند انتخابات به صورت صحیح و سالم انجام شده است - اجازه داد تعداد کمی از مخالفانش، از جمله مدرس، با شرکت در انتخابات به مجلس راه یابند. در ۱۹ تیر ۱۳۰۵، مجلس ششم به ریاست مدرس و با نطق رضاخان گشایش یافت و مدرس از همان جلسه اول، مخالفت خود را با تصویب اعتبارنامه‌های نمایندگان فرمایشی آغاز کرد. در این دوره اگرچه تعداد نمایندگان واقعی مردم در مجلس از تعداد انگشتان دست

تجاوز نمی‌کرد و مدرس فقط به حکم ضرورت به ایراد بحث و نطق می‌پرداخت، ولی همچنان بزرگترین مانع بر سر راه دیکتاتوری رضاخان و قدرت بی‌حد و حصر او محسوب می‌شد.

### فصل دوم - توقیف، تبعید و شهادت مدرس

موضوع دستگیری و تبعید مدرس، یکی از حوادث دردناک تاریخ ایران به شمار می‌رود. جریان دستگیری مدرس و تبعید وی به «خواف» از این قرار است که عصر روز ۱۶ مهر ۱۳۰۷ که مدرس طبق معمول در مدرسه سپهسالار بود، دو مأمور بر او وارد شدند و وی را تا منزلش همراهی کردند. نیمه‌شب، نیروهای شهربانی به منزل مدرس هجوم آوردند و «درگاهی» (رئیس شهربانی وقت)، حکم تبعید مدرس را به او ابلاغ کرد. او را با ضرب و شتم از منزل خارج نموده و با ماشین، به سرعت از تهران خارج کردند. مدرس از مهرماه ۱۳۰۷ تا آذرماه ۱۳۱۶، به مدت ۹ سال، در «خواف» در تبعید بود و علت انتخاب این شهر به عنوان تبعیدگاه، علاوه بر دوری از پایتخت و مرکز حکومت، سنی مذهب بودن مردم منطقه و فقدان علقه مذهبی میان آنان و مدرس بود.

#### شهادت مدرس

مدرس از مهرماه ۱۳۰۷ در شهر «خواف» و تحت نظر شهربانی و لشکر شرق بود. در آبان‌ماه ۱۳۱۶، شهربانی وی را از لشکر شرق تحویل گرفت و به «کاشمر» منتقل کرد. در «کاشمر» چنین وانمود کردند که مدرس مریض است و روز به روز بر کسالت وی افزوده می‌شود و بدین ترتیب زمینه لازم را برای کشتن او آماده کردند. در شب دهم آذر ۱۳۱۶، دو نفر از عوامل سرسپرده رژیم به نام‌های «مستوفیان» و «حبیب‌الله خلیج» در اجرای دستور «جهانسوزی» (رئیس شهربانی «کاشمر») وارد منزل مدرس شدند و هنگام افطار و پس از ادای نماز مغرب و عشا او را با عمامه خودش خفه کرده و به شکل فجیعی وی را به قتل رساندند. کشتن مدرس یکی از جنایات‌های بی‌رحمانه حکومت رضاخانی است. قتل او به وضوح نشان داد که در رژیم‌های خودکامه، نه تنها اصول اخلاقی و انسانی و احترام به آبرو و شخصیت و جان انسان‌ها محلی از اعراب ندارد، بلکه کشتن آزادی‌خواهان به منظور تداوم حکومت سلطه و استبداد، شیوه‌ای مرسوم و رایج است. این جنایت نه تنها هیچ نفع سیاسی برای رژیم ستم‌شاهی رضاخان نداشت، بلکه رژیم را بیش از پیش رسوا و بدنام کرد.

### فصل سوم - علل و عوامل تاریخی شهادت مدرس

هنوز تاریخ معاصر نتوانسته است علت حقیقی شهادت مدرس و چگونگی این فاجعه را آن طور که بوده است روشن کند و دلیل رضاخان برای قتل مدرس را کشف نماید. بروز جنگ جهانی دوم در خلال سال‌های ۱۳۱۶ - ۱۳۲۴ زمینه‌ای را در ایران فراهم کرد تا اوضاع سیاسی مملکت هر لحظه بیشتر رو به وخامت و پریشانی گذارد. از سوی دیگر، پیشروی حیرت‌انگیز آلمان نازی، روسیه و آمریکا و انگلیس و هم پیمانان آنها را به وحشت انداخت، به طوری که تصمیم گرفتند خط محاصره‌ای به دور سپاهیان نازی که در اروپای

مرکزی متمرکز شده بود، بکشند. عملی شدن این نقشه مستلزم عبور نیروهای این کشورها از خاک ایران و خلیج فارس و راهیابی به روسیه بود. تمام این عوامل دست به دست هم داد و انتشار اعلامیه بی طرفی ایران در جنگ نه تنها کاری از پیش نبرد، بلکه اوضاع داخلی را بیش از پیش نابسامان کرد و سلطنت رضاخان را به تزلزل کشاند.

رضاخان به این نکته توجه داشت که ممکن است در چنین موقعیتی، مخالفان به پا خیزند و علم مبارزه برافرازند و مدرس، این قهرمان رشید و با نفوذ در صورت آزادی به هیچ وجه نخواهد گذاشت اوضاع بر وفق مراد او بگردد. با این که سالها بود این مرد رشید و با شهامت را در «خواف» زندانی کرده و مأموران متعددی بر او گماشته بود، هنگامی که وضع خود را دگرگون و خویشتن را در معرض تندباد حوادث دید، به فکر افتاد مبدا نیرویی پدید آید و مدرس را از زندان برهاند و در چنان اوضاع پریشانی، این مرد مبارز با استفاده از نفوذ سیاسی و روحانی خویش انقلابی بر پا کند. آزادی مدرس از زندان برای کاخ سلطنت تازه ساز او که به مرور زمان ابهت و مهابت خود را از دست داده بود، خطر عمده‌ای محسوب می‌شد. بدین ترتیب جنگ جهانی دوم و حوادث ناشی از آن، زمینه قتل مدرس را فراهم کرد و دو تصادف زیر نیز بر شدت آن افزود و رضاخان را جداً بر آن داشت که به کشتن مدرس فرمان دهد.

به طوری که یکی از تاریخ‌نویسان نوشته است: مرحوم «دوست محمدخان» و «حسین خان به چاقچی» (رئیس ایل «به چاقچی») در «سیرجان»، هر کدام جداگانه تصمیم داشتند مدرس را از زندان آزاد کنند و شاید اگر خود مدرس به این کار رضایت داده بود، موفق می‌شدند، ولی وی قبول نکرده و گفته بود: «به خان‌ها بگویند من همواره ملت را به راستی و درستکاری دعوت کرده و از دزدی و بیدادگری منع کرده‌ام و اکنون راضی نخواهم شد که بر خلاف این اصول، چنین از زندان رهایی یابم؛ چرا که در حقیقت بردن من از مجلس یک نوع دزدی، آن هم سرقت انسان است.» ظاهراً جاسوسان پراکنده، این خبر را به شهربانی و سپس به رضاخان رسانده و در همین گیر و دار «دوست محمدخان» کشته می‌شود.

حادثه دیگری که رضاخان را به قتل مدرس ترغیب کرد، این بود که «نوابی» که به جانی نظمی مشهور بود، به جای مرحوم «اسدی» مأموریت خراسان را یافت و برای خوش رقصی گزارش داد: «به طوری که تحقیق شد، مرحوم «اسدی» می‌خواسته مدرس را از «خواف» وارد خراسان کند و شورش او هم به همین جهت بوده است.» (در حالی که بعداً معلوم شد، اسدی کاملاً بی‌گناه بوده و در شورش مشهد نیز ابداً دخالتی نداشته است).

رضاخان پس از دریافت این گزارش و همچنین پیش‌آمد قضایای «دوست محمدخان» و «حسین خان به چاقچی»، دستور قتل مدرس را صادر نموده و بدین ترتیب مقدمات یکی از بزرگ‌ترین جنایت‌های تاریخ معاصر فراهم گردید.<sup>۱</sup>

## فصل چهارم - علل و عوامل ناکامی حرکت شهید مدرس

توقف یا به عبارتی ناکامی حرکت شهید مدرس پس از شهادت وی و عدم استمرار آن را باید در علل و

۱. علی مدرس، مرد روزگاران (مدرس شهید، وابسته ملی ایران)، تهران، هزاران، (۱۳۷۴) صص ۳۳۳-۳۳۴.

عوامل مختلفی جستجو کرد که بررسی همه آنها در این مقال نمی‌گنجد. در اینجا تنها به اختصار و فهرست‌وار به تعدادی از این دلایل اشاره می‌کنیم.

### استبداد و دیکتاتوری رضاخانی

رضاخان پس از کودتای انگلیسی و رسیدن به قدرت، شروع به توقیف آزادی‌خواهان کرد. «مدرس» «قوام‌الدوله»، «ممتازالدوله» و «فرمانفرما» در تهران دستگیر و زندانی شدند و متعاقب دستگیری برخی دیگر از آزادی‌خواهان در شهرستان‌ها، جو استبداد و رعب و وحشت بر کشور حاکم شد و هر فریاد مخالفی را در گلو خفه کردند. ماجرای انتصاب رضاخان به وزارت جنگ و نخست‌وزیری، جمهوری رضاخانی و سپس انتقال سلطنت به وی و مخالفت صریح و شدید مدرس و طرفدارانش با این طرح‌ها، بر استبداد رضاخانی بیش از پیش افزود. ترور مدرس و تبعید و سپس شهادت وی نیز به همین دلیل و به منظور تثبیت و تحکیم هر چه بیشتر پایه‌های رژیم استبدادی و دیکتاتوری رضاخانی صورت گرفت.

پس از شهادت مدرس نیز نه تنها جو استبداد و رعب و وحشت رضاخانی حاکم بر کشور از بین نرفت، بلکه روز به روز بر شدت آن افزوده شد، به نحوی که جریان شهادت مدرس تا مدت‌ها در هاله‌ای از سکوت و ابهام باقی ماند. حتی مجلس شورای ملی پس از گذشت مدت زمانی طولانی نسبت به شهادت این عالم جلیل‌القدر و مبارز عکس‌العمل نشان داد و «شیخ‌الاسلام ملایری» اولین نماینده از میان نمایندگان مجلس شورای ملی بود که خواهان دستگیری و محاکمه عاملان قتل وی شد. جریان دستگیری و محاکمه عاملان قتل مدرس نیز شکلی فرمایشی بیش نداشت.

### تقیه مراجع و علما

پس از شهادت مدرس، جو استبدادی حاکم بر کشور، بسیاری از مراجع و علمای حوزه‌های مختلف علمیه را به تقیه و عدم واکنش در مقابل این امر واداشت؛ به نحوی که در برابر شهادت این مجتهد مبارز عکس‌العملی از خود نشان ندادند و این موضوع را به سکوت برگزار کردند. اعتراض تعداد کمی از علما نیز بشدت سرکوب شد.

به نظر می‌رسد اگر مراجع و علما با حمایت توده مردم در مورد شهادت مدرس واکنش نشان می‌دادند و اعتراض می‌کردند شاید استبداد رضاخانی تا حدودی در هم می‌شکست و زمینه استمرار حرکت این روحانی مبارز فراهم می‌شد.

### فقدان شخصیتی همچون مدرس برای ادامه حرکت او

شهید مدرس در زمان حیاتش از نظر موقعیت فردی، اجتماعی، علمی، سیاسی و مذهبی، شخصیتی منحصر به فرد محسوب می‌شد. وی نبوغ ذاتی، وارستگی، آزادمنشی، علم و حلم، شجاعت، کیاست، سیاست و زهد و تقوا را یک جا در وجود خویش جمع کرده بود و مردی جامع‌الاطراف به شمار می‌رفت.

در خلال زندگی سراسر مبارزه این مجتهد و الامقام، به ویژه در مدت نمایندگی در مجلس شورای ملی، اگرچه مخالفت‌هایی نسبت به حکومت دیکتاتوری رضاخانی در داخل کشور و در مجلس شورای ملی صورت می‌گرفت، ولی این مخالفت‌ها و اعتراضات - حداقل در مجلس شورای ملی - قائم به وجود

شخصیتی چون مدرس بود که رهبری مبارزات را بر عهده داشت. امام امت (ره) در این باره می‌فرمایند:  
«... آنها از مدرس می‌ترسیدند. مدرس یک انسان بود. یک نفری نگذاشت پیش برود کارهای او را تا  
وقتی کشتندش. یک نفری غلبه می‌کرد بر همه مجلس. بر اهالی که در مجلس بودند غلبه می‌کرد یک  
نفری، یک نفری تا توی مجلس نبود (من آن وقت مجلس رفتم، دیدم، برای تماشا، بچه بودم، جوان  
بودم رفتم). مجلس، آن وقت تا مدرس نبود مثل این که چیزی توی آن نیست. مثل این که محتوا ندارد.  
مدرس با آن عبای نازک و با آن - عرض بکنم - قباي کرباسی وقتی وارد می‌شد، مجلس می‌شد - یک  
مجلس - طرح‌هایی که در مجلس داده می‌شد، آن‌که مخالف بود مدرس مخالفت می‌کرد و می‌ماساند  
مطلب را...»<sup>۱</sup>

متعاقب ترور، تبعید و شهادت مدرس، متأسفانه شخصیتی مانند مدرس وجود نداشت که حرکت این  
روحانی والامقام و مبارز را ادامه دهد و ضمن رهبری مبارزات مردمی، زمینه لازم را برای استمرار حرکت  
شهید مدرس برای مقابله با استبداد رضاخانی تا سرنگونی آن، فراهم کند.

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، کد ۹۹۷۲، سخنرانی شماره ۲۷۴.